

پسرونده شماره الف - ۱

درخواست اتحافه تصميم در باره چهارموضوع مورد اختلاف ناشيه از افتتاح و نحوه عمل

حساب تأمینی مقرر در بنانه های الجزایر .

طرفین : جمهوری اسلامی ایران ،

به نمایندگی

آقای محمد کریم اشراق ، به عنوان نماینده رابط جمهوری اسلامی در

دیوان داورى ،

آقای اصغر ف . کاشان ، رئیس هیات اعزامی از بانک مرکزی ایران ،

آقای علی معنوی راد ، مشاور ،

آقای راجر براون ، نماینده و مشاور ،

آقای دانیل لویت ، مشاور ،

آقای کر . گینز ، مشاور ،

آقای توماس شیک ، مشاور ،

و

ایالات متحده آمریکا

به نمایندگی

آقای آرثور دبلیو . رواین ، مشاور حقوقی ، سفارت ایالات متحده آمریکا ،

به عنوان نماینده رابط ،

آقای تیموتی ای . رامیش ، وکیل - مشاور ، وزارت امور خارجه به عنوان

معاون نماینده رابط ،

A1-65
الف - ۱ - ۶۵

IRAN - UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دادگاه داورى دعاوى ايران - ايالات متحده

ثبت شد - FILED

Date 1361/8/12
3 NOV 1982

No. A-1

NOT FOR PUBLICATION
انتشار ممنوع است

DUPLICATE ORIGINAL
نسخه برابر اصل

خانم جیمسون ام. سلیسی، وکیل - مشاور، وزارت امور

خارجہ، به عنوان معاون نماینده رابط،

عالیجناب دیویس آر. رابینسن، رئیس دفتر حقوقی، وزارت

امور خارجہ، به عنوان وکیل،

آقای استفان آ. رایزنفلد، مشاور حقوق بین الملل، وزارت

امور خارجہ، به عنوان وکیل،

آقای مارک رودزیک، مشاور - وکیل، وزارت دادگستری، به

عنوان وکیل.

تصمیم

مقدمه

در تاریخ ۲۰ - ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ برابر با ۳۰ - ۲۹ دیماه ۱۳۵۹، متعاقب مذاکراتی که از طریق دولت جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر به عنوان میانجی صورت گرفت، جمهوری اسلامی ایران ("ایران") و ایالات متحده آمریکا ("ایالات متحده") به منظور خاتمه دادن به بحران فیما بین روابط دو کشور ناشی از دستگیری ۵۲ تبعه آمریکایی در ایران و اقدامات متقابلی که توسط ایالات متحده انجام گرفته بود یک سلسله موافقت نامه‌های منعقد ساختند. این موافقت نامه‌ها مشتمل بر پنج سند جداگانه بود که بخش عمده آن در دو بیانیه دولت الجزایر که دولتین ایران و ایالات متحده به آن پیوسته‌اند متجلی گردیده است، یعنی بیانیه جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر ("بیانیه") و بیانیه دولت مزبور در مورد حل و فصل دعاوی توسط دولت ایالات متحده و دولت جمهوری اسلامی ایران ("بیانیه حل و فصل دعاوی").

بیانیه و بیانیه حل و فصل دعاوی

در چارچوب و به موجب شرایط دو بیانیه یاد شده، ایالات متحده در بیانیه متعهد گردید که وضعیت مالی ایران را، حتی الامکان، به وضعیت موجود قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ / ۲۳ آبان ۱۳۵۸ اعاده نماید. بیانیه همچنین مقرر می‌دارد که موانع، از جمله توقیف‌های قضائی مربوط به داراییهای مختلف ایران لغو گردیده، و انتقال این داراییها به حساب‌های امانی مختلف که بخشهایی از آن به نوبه خود به ایران منتقل خواهد شد، تأمین گردد. برای حصول این منظور، دولت ایالات متحده متعهد گردید که بنحوی مقرر در بیانیه، تحرك و نقل و انتقال آزادانه کلیه دارائی‌های ایران را که در قلمرو قضائی ایالات متحده قرار گرفته تضمین نماید.

بعلاوه، بیانیه متذکر گردیده که هدف ایران و ایالات متحده اینست که کلیه دعاوی بین

دولت هر حکومت و اتباع دولت ديگر را لغو و موجبات حل و فصل و ابطال کليه اين دعاوى را از طريق يك داورى لازم الاتباع فراهم نمايند . براى نيل به اين مقصود ، بيانیه حل و فصل دعاوى تأسيس ديوان و همچنين چارچوب صلاحيت و آئين دادرسى آنرا مقرر داشت . در رابطه با ترتيبات مالى ، ايران و ايالات متحده بلافاصله تعهد به انتخاب يك بانک مرکزی مرضى الطرفين ("بانک مرکزی") نمودند تا طبق دستور دولت الجزاير و بانک مرکزی الجزاير به عنوان کارگزار امانى وجوه امانى پيش بينى شده در بيانیه ، عمل کنند . بعلاوه دولت توافق کردند که بالفور طبق مقررات و شرايط بيانیه وارد ترتيبات امانى با بانک مرکزی گردند .

در اين رابطه بيانیه پيش بينى نموده است که کليه وجوهی که طبق بيانیه به صورت امانى به بانک مرکزی سپرده مى شود بايستی در حسابى به نام بانک مرکزی الجزاير نگهدارى شود . بيانیه همچنين در مورد انتقال دارائيهای واقع در قلمرو قضائى ايالات متحده شرايطى را مقرر داشته است . اين شرايط هم شامل دارائيهای موجود نزد بانک فدرال رزرو نيويورک و هم شامل دارائى هاى موجود در شعب خارجى و داخلى بانکهاى ايالات متحده ميشود . در اين پرونده به ويژه بندهاى ۶ و ۷ بيانیه که مربوط به انتقال دارائيهای موجود در شعب داخلى بانکهاى آمريکائى است قابل توجه است . مفاد اين بندها به شرح زير است :

" ۶ - به مجرد پيوستن ايران و ايالات متحده به اين بيانیه و بيانیه

حل و فصل دعاوى منضم به آن ، و به دنبال انعقاد ترتيبات

مربوط به گشايش حساب تأمينى بهره دار نزد بانک مرکزی که

در بيانیه اخير و بند ۷ ذيل مشخص شده است و ترتيباتى که

طى ۳۰ روز از تاريخ اين بيانیه منعقد خواهد شد ، ايالات

متحده ظرف ۶ ماه از آن تاريخ ، جهت انتقال سپرده ها و

اوراق بهادار ايران نزد مؤسسات بانكى در آمريكا به اضافه بهره
متعلقه به بانك مركزى عمل خواهد كرد ، كه به صورت امانى نزد
بانك مركزى باقى خواهد ماند تا زمانى كه انتقال يابريگشت آنها
طبق بند ۳ بالا الزام آور گردد .

۷ - به مجرد وصول وجوه مندرج در بند ۶ بالا توسط " بانك مركزى " ،
بانك مركزى الجزاير به " بانك مركزى " دستور خواهد داد كه (۱)
نيمي از بالغ دريافتى رابه ايران انتقال دهد و (۲) نيم ديگر را
در يك حساب تا ميني بهره دار نزد بانك مركزى بسپارد تا آنكه ميزان
موجودى حساب تا ميني به ميزان يك ميليارد دلار برسد پس از رسيدن
به سطح يك ميليارد دلار ، بانك مركزى الجزاير دستور خواهد داد كه
تمام مبالغى كه به موجب بند ۶ دريافت مى شوند به ايران منتقل گردند .
كلييه موجودى حساب تا ميني صرفاً " براى تضمين پرداخت و پرداخت مبالغ
ادعاهاي عليه ايران وفق بيانيه حل و فصل ادعاها مورد استفاده قرار
خواهد گرفت . هرگاه بانك مركزى به ايران اطلاع دهد كه ميزان موجودى
حساب تا ميني از ۵۰۰ ميليون دلار تنزل كرده است ، ايران فوراً با
گذاشتن سپرده هاى جديد حساب مذكور را به سطح ۵۰۰ ميليون دلار
خواهد رساند و موجودى حساب مذكور در اين سطح نگهدارى خواهد
شد تا زمانى كه رئيس ديوان (هيئت) داورى ، كه طبق بيانيه حل
و فصل دعاوى تشكيل گرديده است ، براى بانك مركزى الجزاير كواهى
كند كه تمام احكام داورى عليه ايران بر طبق بيانيه حل و فصل اجراء
شده است ، كه در آن صورت با قيمانده حساب تا ميني به ايران انتقال
داده خواهد شد . "

ساير موافقت نامه هاى مربوط

ترتيبات مالي مقرر در "بيانيه" و "بيانيه حل و فصل دعاوى" طى سه موافقت نامه ديگر به نحو مشخص تری تعيين وتدوين گرديد :

(۱) تعهدات دولتيں ايالات متحده آمريکا و جمهورى اسلامى ايران در رابطه بابيانيه دولت جمهورى دموکراتيک خلق الجزاير مورخ ۱۹ ژانويه ۱۹۸۱ برابر با ۲۹ ديمه ۱۳۵۹ ("سند تعهدات") ، (۲) موافقت نامه امانى مورخ ۲۰ ژانويه ۱۹۸۱ برابر با ۳۰ ديمه ۱۳۵۹ (" موافقت نامه امانى ") منعقد بين دولت ايالات متحده ، بانك فدرال رزرو نيويورک بعنوان کارگزار مالي ايالات متحده ، بانك مرکزى ايران و بانك مرکزى الجزاير بعنوان کارگزار امانى (۳) ترتيبات فنى مورخ ۲۰ ژانويه ۱۹۸۱ (" ترتيبات فنى ") منعقد بين بانك مرکزى الجزاير بعنوان کارگزار امانى ، بانك فدرال رزرو نيويورک بعنوان کارگزار مالي دولت ايالات متحده و رئيس کل و شرکت بانك انگلستان که بعنوان بانك انگلستان که بعنوان بانك مرکزى انتخاب شده است .

سند تعهدات متضمن مقرراتى ، منجمله ، مقررات راجع به انتقال وجوه امانى نزد بانك مرکزى به محض آزاد شدن ۵۲ تبعه آمريکائى دستگير شده در ايران ميباشد . اين مقررات به بانك مرکزى الجزاير اجازه ميدهد که ، بعنوان کارگزار امانى ، به بانك مرکزى دستور انتقال مبلغ ۳ / ۶۶۲ ميليارد دلار به بانك فدرال رزرو نيويورک جهت بازپرداخت بدهى هاى مربوط به اصل وفرع وامهاى اعطائى سندىکاهائى مؤسسات بانكى که بانكهاى آمريکائى در آنها عضو بودند را صادر نمايد ، و مبلغ ۱ / ۴۱۸ ميليارد دلار موجود در حساب امانى رادردرجه اول ، ولى نه صرفاً "برای بازپرداخت وامهاى غير سندىکائى اعطائى مؤسسات بانكى ايالات متحده ، نگاهدازد . اين مقررات همچنين به بانك مرکزى اجازه ميدهد که کليه موجودى حساب امانى مازاد بر مبلغ ياد شده را بلافاصله يا بمجرد دستور بانك مرکزى ايران ، به بانك مذکور انتقال دهد .

هدف موافقت نامه امانی اجرای آن قسمت از مقررات بیانیه بود که مربوط می شد به ایجاد ترتیبات حساب امانی برای اموال و داراییهایی که انتقال آنها منوط و مشروط برهائی اتباع آمریکائی دستگیر شده در ایران بوده، بدین منظور، بند ۲ موافقت نامه امانی مقرر می داشت که:

" دولت ایالات متحده موجبات انتقال سپرده ها و وثایق

ایران نزد شعب و ادارات داخلی بانکهای ایالات متحده

به بانک فدرال رزرو، بعنوان کارگزار امانی بموجب این موافقت نامه،

را فراهم خواهد آورد . .

. . . . سپرده ها و وثایق و وجوه ایرانی مذکور در بند ۲ حاضر، کلاً

" اموال ایران " خوانده می شوند) .

بعلاوه، بند ۳ موافقت نامه امانی مقرر می دارد که:

" به موجب این موافقت نامه سپرده ها و وجوه در یک یا چند حساب

دلاری بنام بانک مرکزی الجزایر بعنوان کارگزار امانی نزد بانک انگلستان

نگهداری خواهند شد . به این سپرده ها و وجوه بهره به نرخ جاری

بازارهای پولی خارج از ایالات متحده، تعلق خواهد گرفت

شرط مندرج در بند ۴ موافقت نامه امانی، نیز در ارتباط با همین موضوع است . این

بند، که به موجب بندهای فرعی (الف) و (ب) ذیل آن، حاوی شرایطی است که

رهائی اتباع ایالات متحده را شرط قبلی انتقال وجوه قرار میدهد، شرط زیر را نیز در

بند فرعی (د) خود در بر دارد:

" (د) به وجوه و سپرده های موجود نزد بانک انگلستان به موجب این

موافقت نامه، به نرخ جاری بازارهای پولی خارج از ایالات متحده از

تاريخ انتقال آنها به حساب بانك مركزى الجزاير به عنوان كارگزار
امانى در بانك انگلستان بهره تعلق خواهد گرفت و اين بهره به
عنوان بخشى از داراى ايران براى مقاصد مندرج در بندهاى
فرعى (الف) و (ب) بند ۴ حاضر منظور خواهد شد .

ترتبات فنى منعقد شده با بانك انگلستان جزئيات مربوط به حسابهاى متعددى را كه
دارائىهاى ايران ميبايستى بصورت امانى در آنها نگهدارى شود مقرر مى دارد .
در اين سند كلا " شش حساب جداگانه ، از آن جمله يك حساب دلارى بنام " حساب
دلارى شماره ۲ " ، به منظور نگهدارى آن قسمت از وجوه ايران كه در درجه اول
براى بازپرداخت وامهاى بانكى غير سنديكائى بر طبق سند تعهدات مصرف
مى شود ، ودو حساب ، يكي بنام " حساب نگهدارى وثايق شماره ۲ " و ديگرى
بنام حساب دلارى شماره ۳ به منظور نگهدارى موقت وثايق و وجوه تشكيل دهنده
حساب تا ميني ، تا زمان انتقال اين وجوه و وثايق به يك بانك امين دائم پيش بينى
گريده است .

موافقت نامه هاى منعقد شده با بانكهاى هلند در رابطه با حساب تا ميني

ترتبات فنى مبتنى بر اين فرض بود كه بانك انگلستان حساب تا ميني را فقط براى مدت
زمان محدودى نگهدارى كرده و چنين پيش بينى مى شد كه تا پايان اين مدت با بانك
مناسب ديگرى توافق خواهد شد و حساب بدانجا منتقل خواهد گرديد . در واقع
وجوهى كه براى حساب تا ميني در نظر گرفته شده بود هرگز به بانك انگلستان منتقل
نشد . در ژوئن ۱۹۸۱ ، برابر با خرداد ۱۳۶۰ بانك فدرال رزرو نيويورك و

بانك مركزى ايران مذ اكراتى رابا بانك ندرلانندش، ان . و . ، يعنى بانك مركزى هلند ، به منظور افتتاح و نگهدارى حساب تأمىنى در آن بانك ، آغاز نمودند در ۱۷ اوت (۱۹۸۱) ، بانك فدرال رزرو نيويورك به عنوان كارگزارمالي ايالات متحده ، بانك مركزى ايران و بانك مركزى الجزاير به عنوان كارگزارامانى ، موافقت نامه هاى رابا بانك ندرلانندشان . و . بانك تابعه ، آن بانك تسويه ان . و . (" بانك امين ") امضاء نموده و طى آن مقرر داشتند كه حساب تأمىنى در بانك امين تأسيس و نگهدارى شود . متعاقب اين ترتيبات ، در ۱۸ اوت ۱۹۸۱ بانك فدرال رزرو نيويورك مبلغى بيش از ۲ ميليارد دلار به بانك امين انتقال داد كه مبلغ يك ميليارد دلار آن هم اكنون در حساب تأمىنى ، حساب " ب " نگهدارى مى شود و بقيه به ايران انتقال داده شد .

موافقت نامه هاى منعقد با بانكهاى هلندى مورد بحث منجمه مقرر مى دارد كه ، بانك امين مى بايست بهره هاى معادل آنچه كه خود از جوجه مزبور به دست مى آورد ، بپردازد ماهانه بابت مديريت حساب - / ۱۵۰،۰۰۰ دلار باشد ، بانك امين و بانك مادر وى در قبال هرگونه بدى ، زيان ، خرج يا هزينه احتمالى ناشى از عملکرد حساب تأمىنى تأمين شوند .

موافقت نامه هاى منعقد با بانكهاى هلندى عدم توافق بانك مركزى ايران و بانك فدرال رزرو نيويورك را در چهار موضوع درج نموده و مقرر مى دارد كه موضوعات مزبور براى اتخاذ تصميم به اين دادگاه ارجاع خواهد شد . ايالات متحده طى نامه مورخ ۲۲ اكتوبر (۱۹۸۱) / ۳۰ مه رماه ۱۳۶۰ ، از ديوان داورى تقاضا نمود كه در مورد اين موضوعات اتخاذ تصميم نمايد . هريك از دولتى به نحو همزمان لوايح و لوايح متقابلى تسليم نموده و طى جلسه رسيدگى مورخ ۹ - ۸ مارس ۱۹۸۲ استدلالات شفاهى خود را ارائه داشتند . در طى اين بحثها و گفتگوها طرفين موضوعات زير را در برابر

دیوان مطرح ساختند . (۱) نحوه تعلق بهره حاصله از حساب تأمین (۲) ضابطه‌ای که دیوان در ثبت مصالحه‌ها بعنوان حکم براساس توافق طرفین باید به کاربرد (۳) پرداخت هزینه‌های بانکی مربوط به حساب تأمین و (۴) مسئولیت جبران خسارات احتمالی امین حساب تأمین .

موضوع اول - تعیین تکلیف بهره حاصله از حساب تأمین :

تصمیم در مورد این موضوع به بعد موکول میگردد .

موضوع دوم - ضابطه‌ای که دیوان در ثبت يك مصالحه بعنوان حکم براساس توافق طرفین باید اعمال نماید .

سابقه امر

این موضوع مربوط است به چارچوبی که بیانیه حل و فصل دعاوی در مورد صلاحیت ونحوه عمل دیوان مقرر داشته است . بنابراین اقتضا دارد که بدواً عناصر و عوامل مربوطه این چارچوب بیان گردد .

بیانیه حل و فصل دعاوی در مواد ۲ و ۷ خود شامل يك سلسله مقررات مفصل و پیچیده است که حدود صلاحیت دیوان را مشخص می سازد .

در مورد مقررات شکلی که توسط دیوان بایستی رعایت شود ، ماده ۳ بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر میدارد که دیوان کار خود را بر طبق قواعد داری کمیسیون حقوق تجاری بین الملل سازمان ملل متحد (" اونسیتراال ") ، به جز در مواردی که توسط دولتین پنا خود دیوان اصلاح شده باشد ، انجام خواهد داد .

ماده ۳۴ قواعد اونسیتراال ، که بدون تغییر در قواعد دادگاه ابقا شده است ، در رابطه با موضوع حاضر جالب توجه بخصوص است . بند ۱ این ماده مقرر میدارد :

" ۱ - چنانچه پيش از صدور رأى، طرفين در مورد حل و فصل دعا به توافق برسند، ديوان داوری يا اقدام به صدور دستور ختم جريان داوری نموده، و يا اينکه در صورت تقاضای طرف و موافقت ديوان، توافق مزبور را به صورت رأى منى بر توافق طرفين، ثبت خواهد کرد. ديوان داوری مکلف نيست که دلايل صدور چنين راي را بيان نمايد."

استدلالات دولت

عدم توافق اوليه بين بانك فدرال رزرو نيويورک و بانك مرکزی ايران بر سر اين موضوع عبارت از اين بود که آیا از حساب تأمينی ميتوان برای پرداخت مستقيم وجوه مصالحه های خصوصى استفاده کرد ياخير. بهر صورت با توجه به مواضعی که دولت در جريان رسيدگى اتخاذ نمودند، استنباط ديوان اينست که اين مسئله ديگر مورد اختلاف نيست. بدین طريق، تنها مسئله ای که باقی ميماند اينست که تحت چه شرايطی ديوان مى تواند حکم بر اساس توافق طرفين صادر نمايد که نمايانگر مصالحه در ادعای مورد بحث باشد. ايران استدلال میکند که ديوان، در چنين موردی چنانکه دعوا علی الظاهر در حيطه صلاحيتش باشد، بايد حکم بر اساس توافق طرفين صادر نمايد. از سوى ديگر، بنظر ايالات متحده فقط در صورتی ديوان داوری مى تواند يك چنين حکمی صادر نمايد که توافق طرفين را مورد رسيدگى قرار داده و صلاحيت رسيدگى به دعاوارا احراز کرده باشد و (ضمناً) توافق حاصله بين تصميم معقولی نسبت به ادعا باشد.

ايران استدلالات زير را پيش ميکشد: نه متن ماده ۳۴ و نه تاريخچه حقوقی شرط مزبور هيچک مويد اين نظر نيست که ديوان بايد مانند موردی که يك طرف نسبت به صلاحيت

ديوان معترض است، تصميم نهائى در مورد صلاحيت خود اتخاذ نمايد .
تدوين کنندگان قواعد اونسيترال حتى وارد بحث در اين احتمال که
ديوان داورى به تواند بعلت عدم صلاحيت از ثبت توافق بعنوان
حکم براساس توافق طرفين خود داورى ورزد نشدند .

در برابر استدلال ايالات متحده که ديوان بايد پيش از ثبت يك مصالحه
بصورت حکم بر اساس توافق طرفين معقول بودن مصالحه را مورد
بررسى قرار دهد، ايران اظهار مى دارد که ماده ۳۴ قواعد
اونسيترال، ديوان را ملزم نمى سازد که حکم براساس توافق طرفين صادر
نمايد، چه ماده مزبور اختيار تشخيص و امتناع از اين کار را به ديوان
ميدهد . مع هذا، تاريخچه قواعد اونسيترال به روشنى نشان ميدهد که
غرض و منظور اين بوده که هيئتهاي داورى فقط تحت شرايط محدودى
حق خود را در امتناع از ثبت احکام براساس توافق طرفين اعمال نمايند .
سوابق تدوين اونسيترال و اظهار نظرهای موجود راجع به آن
مبين فقط يك مورد واحد است که ديوانهاي داورى مى توانند از ثبت يك
مصالحه به صورت حکم براساس توافق طرفين خود داورى ورزند
و آن موردى است که بر آنها کشف هود که مصالحه انجام شده غير قانونى
يا مغاير با نظم عمومى بوده است . در طول کارهای مقدماتى مربوط به
تدوين ماده ۳۴ قواعد اونسيترال سابقه نداشته که حتى يکبار نمايندهاي اظهار
داشته باشد که پيش از آنکه ديوان داورى مصالحه اي را به شکل حکم براساس

توافق ثبت نماييد، بايد رسيدگى کند که مصالحه انجام شده متضمن تعيين تکليف منطقى و معقول دعوا هست ياخير. منظور از تدوين ماده ۳۴، تسهيل و تشويق حل و فصل دعاوى از طريق مذاکره بوده و اظهار نظرهای مربوط به اين ماده بين قبول اين نظراست که تصميم گيرى راجع به معقول و منطقى بودن يك مصالحه غالبا "برای داوران غير ممکن است". اينکه مصالحه های معقول و منطقه است ياخير، بر عهده طرفين دعواست نه داوران. ملاحظاتی که مبنای مصالحه ها را تشكيل مي دهند، غالبا "متضمن عوامل و عناصرى سواى عناصر حقوق است، چنين عناصرى بخصوص برای بازيمنى و رسيدگى نامناسبند. از آنجا که ماده ۳۴ توسط دولتین يا توسط ديوان داورى اصلاح نشده است، اين بر عهده ايالات متحده است که ثابت کند تعبير و تفسير موسوع مورد تأکيد وى در مورد اين ماده صحيح است. معذالك، هم تاريخچه حقوقى قواعد اونسيترال و هم سوابق بين المللى مغاير با اين نظراست که داوران بايد معقول بودن مصالحه ها را مورد بررسى قرار دهند.

استدلالهای ايالات متحده بشرح زيراست: ماده ۳۴ به ديوان داورى اين اختيار را مي دهد که از پذيرش درخواست طرفين دعوانسبت به صدور حکم براساس توافق طرفين خود داري ورزد. سابقه اين قاعده نشان مي دهد که هر نوع کوششى که متضمن محدود کردن اين اختيار باشد مردود شناخته شده است. نه شرايط و مقررات صريح ماده

۳۴ و نه تاريخچه حقوقى آن، هيچيك رهنمود مشخصى جهت يافتن ضوابطى كه با اعمال آنها بتوان مصالحه‌اى را بصورت حكم بر اساس توافق طرفين ثبت كرد بدست نهد. .
چنين تصميمى توسط اين ديوان داورى متضمن ملاحظاتى است بمراتب پيچيده تر از ملاحظات مربوط به يك داورى خصوصى و جابجه، تصميم مزبور تابع يك سلسله محدود -
يتهاى اساسى ناشى از شرايط بيانيه حل و فصل دعاوى است كه چارچوب كلى عملكرد ديوان را مشخص كرده است. بدين طريق ديوان با توجه به مسئوليت كلى خویش در رسيدگى به دعاوى طبق بيانيه حل و فصل دعاوى، محدود به ماده ۳۴ نمى‌باشد. در اين داورى، مرجعى كه قلمرو صلاحيت ديوان داورى را محدود كرده، طرفين داورى نيستند كه از ديوان تقاضاى صدور حكم بر اساس توافق طرفين كرده‌اند، چرا كه دولت خود محدوديتهاى ديوان را از نظر صلاحيت در بيانيه حل و فصل دعاوى مشخص و مقرر كرده‌اند. بنا بر اين، ديوان بايد احراز نمايد كه دعاوى مورد مصالحه در حيطه صلاحيت اوست يا خير.
بعلاوه ديوان بايد مصالحه انجام شده را مورد ملاحظه و بررسى قرار داده و متقاعد شود كه توافق حاصله، دعاوى مورد بحث را بصورت منطقي و معقول حل ميكند. در غير اينصورت عنصر اساسى حساب تأمينى --- تأمينى كه ايجاد ميكند --- بلا اثر خواهد شد. دسترسى به حساب تأمينى در مورد دعاوى رسيدگى شده از طريق مقرراتى تعيين ميشود كه متضمن تناسب و انصاف است. اگر استفاده از حساب تأمينى تحت كنترل ايران باشد، تأمينى براى پرداخت ادعاها وجود نخواهد داشت. بنا بر اين فقط در صورتى كه ديوان داورى كنترل مؤثرى بفرآيند ثبت مصالحه‌ها بصورت حكم اعمال كند، حساب تأمينى نقش مورد نظر خود را ايفا خواهد كرد. البته، اين كنترل بدین معنى نيست كه ديوان بايد متقاعد شود كه مصالحه طرفين با هم منطبق بر تصميمى است كه در صورت رسيدگى ماهوى به دعاوى ديوان اتخاذ مى‌نمود. ديوان فقط بايد تصميم بگيرد كه مصالحه طرفين معقول و منطقي است و ميتواند در زمينه كلى بيانيه حل و فصل دعاوى و با توجه به شرايط ويژه دعاوى

به کفایت قابل توضیح باشد .

نتیجه گیری در مورد موضوع مصالحه‌ها

از دیوان تقاضا شده است که تعیین نماید تحت چه شرایطی میتواند مصالحه بین یک خواهان آمریکائی و ایران راه شکل حکم بر اساس توافق طرفین ، طبق ماده ۳۴ قواعد اونسیترال ثبت نماید . البته چنانکه هر دو دولت استدلال کرده اند ، این مسئله به دنبال خود دو مسئله فرعی دیگر را مطرح میسازد که اولین آن مربوط به حدودی است که دیوان باید تصمیم بگیرد که نسبت به دعوی مورد مصالحه واجد صلاحیت است و دوم ناظر به این مسئله است که آیا دیوان باید معقول و منطقی بودن مصالحه را مورد بررسی قرار دهد یا خیر .

در رابطه با موضوع فرعی اول ، واقعیت بلا معارض اینست که دامنه حدود صلاحیت دیوان توسط ایران و ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر تعیین گردیده که متضمن مقررات فصلی در مورد صلاحیت دیوان است ، و بالنتیجه ، دیوان صلاحیت رسیدگی به هیچ موضوعی که طی این بیانیه‌ها برایش پیش‌بینی نشده است را ندارد . علیهذا ، چنانچه از دیوان تقاضا شود که حکمی بر اساس توافق طرفین صادر کند ، دیوان مسئله صلاحیت خود را بنحوی که لازم بداند مورد رسیدگی قرار میدهد . با وجود این ، دیوان معتقد است که تعیین یک قاعده کلی بصورت انتزاعی و مجرد در مورد حدود دامنه مورد نیاز برای رسیدگی به صلاحیت ، با توجه به اوضاع و احوال بسیار متفاوت و متعددی که در مورد مسائل مربوط به صلاحیت ممکن است بروز نماید و نیز با توجه به طبیعت گسترده و پیچیدگی مقررات صلاحیت در بیانیه‌های الجزایر ، بدون در نظر گرفتن شرایط و وضعیت هر دعوی خاص ، نه صحیح است و نه عملی .

در مورد مسئله فرعی دوم ، قبل از هر چیز باید تأکید کرد که هر دو دولت قبول دارند که دیوان هنگام صدور حکم بر اساس توافق طرفین ، باید مطابق ماده ۳۴ عمل کند . این ماده طی

بند ۱ خود مقرر مي‌دارد که ديوان مي‌تواند فقط در صورت تقاضای هر دو طرف و قبولی خود مصالحه‌ای را به شکل حکم بر اساس توافق طرفین ثبت نماید .

تاریخچه حقوقی مقررات اونسیترا ل نشان مي‌دهد که ماده ۳۴ اختیار امتناع از ثبت يك مصالحه بصورت رأی بر اساس توافق طرفین را ، به ديوان اعطاء مي‌کند . (رجوع شود به مجموعه پيش‌نویس مقدماتی قواعد داوری ، سازمان ملل ، سند ۹۷ / ۹ . ان . س . آ / ، ماده ۲۸ صفحه ۵۲) . این اختیار تحدید یا تعریف نشده است . کمیسیون حقوق تجارت بین الملل سازمان ملل متحد در جریان تهیه قواعد مکرراً از قبول پیشنهادهای محدود کننده دلائل امتناع ورزید بجز موردی که به تشخیص داوران ، مصالحه حاصله با قانون یا نظم عمومی مغایرت داشته باشد . (رجوع شود به اسناد رسمی مجمع عمومی ، سی امین نشست ، تکمله شماره ۱۷ ، سازمان ملل ، سند ۱۷ . ۱۰۰ / آ ، پیوست يك ، بند ۱۹۴ ؛ خلاصه صورت جلسه ۱۶۷ نشست هشتم اونسیترا ل اسناد سازمان ملل شماره ۱۶۷ . آر . اس / ۹ . ان . س . آ / صفحات ۲۰۴ - ۲۰۳ ؛ پيش‌نویس اصلاح شده مجموعه قواعد داوری پيش‌نویس مقررات پیشنهادی ، اسناد سازمان ملل سند ۱۱۳ / ۹ . ان . س . آ / ، ماده ۲۹ صفحه ۲۴) البته در عین حال روشن است که اختیار امتناع از ثبت يك مصالحه به صورت حکم بر اساس توافق طرفین نمیتواند به شکل مطلق اعمال شود .

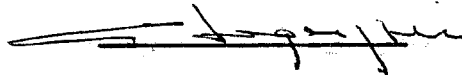
اگر چه ديوان در جریان اتخاذ تصمیم نسبت به يك تقاضا بموجب ماده ۳۴ ، نباید سعی کند که بجای طرفین داوری راجع به معقول بودن یا معقول نبودن مصالحه تصمیم بگیرد ، با اینحال ديوان میتواند از ثبت يك مصالحه بصورت حکم خود داری ورزد ، به شرط آنکه این اختیار را بصورت مطلق اعمال نکند ، فی المثل اگر مصالحه‌ای با توجه به چارچوب بیانیه‌های الجزایر مناسب بنظر نرسد ، میتوان این اختیار را اعمال نمود .

- موضوع سوم - پرداخت هزینه‌های بانکی مربوط به نگهداری حساب تأمینى .
تصمیم در این مورد ببعد موکول میشود .
- موضوع چهارم - مسئولیت جبران خسارات احتمالی اجنبی حساب تأمینى .
تصمیم در این مورد ببعد موکول میشود .

اردیبهشت ۱۳۶۱

۱۹۸۲ برابر با

لاسه به تاریخ

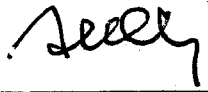


کونارلاگرگرن

رئیس دیوان

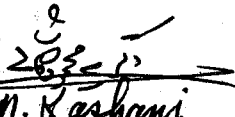


نیلسن منگارد



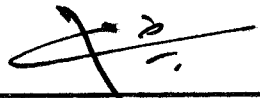
پری پریبله

بنام خدا

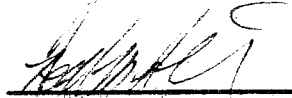


محمود م. کاشانی

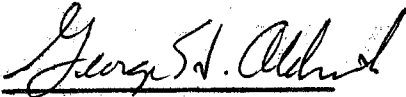
بنام خدا



شفیع شفیعی

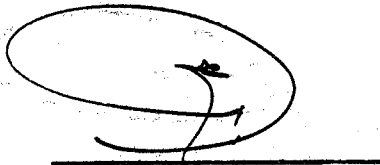


هوارد ام. هولتزمن



جورج اچ. آلدریچ

بنام خدا



مصطفی جهانگیرشانی



ریچارد ام. ماسک